

نزاع در نفی و اثبات استلزام ممکن و ممتنع

عبدالعلی شکر*

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز

چکیده

در بحث از مواد ثلاث - وجود، امکان و امتناع - یکی از سؤالهای مطرح شده اینست که آیا میان ممکن و ممتنع - اعم از بالذات یا بالغير - تلازم وجود دارد یا خیر؟ میان حکما، هم در جهت نفی و هم در جهت اثبات این مسئله، مدافعانی دیده میشود. برخی با این بیان که استلزام آنها منجر به تحقق ملزوم بدون لازم خواهد شد، به رد تلازم مبادرت کرده‌اند. برخی دیگر با ایراد موارد نقضی از جمله تلازم امکان عدم صادر نخست با امتناع عدم ذات حق، تلازم را منتفی ندانسته‌اند. در این صورت اعتبار قیاس خلفی به چالش می‌افتد زیرا در آنجا از بطلان تالی به امتناع مقدم و اثبات مطلوب پی برده میشود. در این نوشتار عقیده بر این است که با تکیه بر اصول حکمت متعالیه و تحلیل صحیح آن، میتوان به حل و رفع این نزاع دست یافت.

کلید واژگان

ممکن	ممتمنع
امکان وقوعی	امکان فقری
قیاس خلفی	ملاصدرا

طرح مسئله

یکی از احکامی که برای مواد قضایا ذکر میشود اینست که ممکن، مستلزم محال نیست. همانگونه که بین دو ممتنع بالذات ملازمه وجود ندارد، میان ممکن و ممتنع بالذات نیز استلزامی وجود ندارد زیرا تحقق ملزوم ممکن با امتناع ذاتی لازم، یعنی اجتماع و تلازم امکان بالذات با ممتنع بالذات، مستلزم تحقق ملزوم بدون لازم است که چنین چیزی محال است. معنای این تلازم آن است که یک طرف تلازم، ممکن و طرف دیگر آن ممتنع است. در عین حال که یک طرف - که ممتنع است - وجود ندارد، طرف دیگر (ممکن) میتواند وجود داشته باشد. این امر مستلزم خلف است یعنی عدم ملازمه دو امری که ملازم فرض شده است!

از طرف دیگر، بحث درباره چگونگی ارتباط میان صادر نخست که در لسان مشائین متصف به امکان ذاتی است با ذات واجب الوجود، اعتقاد به ملازمه بین ممکن ذاتی و ممتنع بالذات را در پی داشته است. طبق

*.Email: Ashokr@rose.shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۶ تاریخ تأیید: ۹۴/۱۲/۲۴

۱. ملاصدرا، الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، ج ۱،

ص ۲۱۹.